

The Republic of Georgia seems to see NATO's presence as a prelude to Europeanization

Abstract

Today, the Republic of Georgia has attracted many regional and international actors and has regained its extraordinary historical significance. Georgia, once a lifelong sphere of influence between Russia and the Soviet Union and a source of conflict and rivalry for regional actors throughout history, has now become a battleground for the current great powers, each with its own regional actors. The world is seeking to be present, to influence and to secure its interests as much as possible. To better understand the importance of this region for the great powers, especially the United States and Russia, and Georgia's inclination towards each of these two powers, the goals of these two powers in the South Caucasus region are examined. In the present study, the question arises as to which power east and West Georgia has been inclined to since 2008? And the impact of these orientations on Iran will be noted. In fact, this descriptive-analytical study examines the hypothesis that Georgia has incentives to work with NATO. The Republic of Georgia seems to see NATO's presence as a prelude to Europeanization, preferably receiving more financial aid. As a result, it can be said that among the two supra-regional actors, the role of the United States seems more obvious than others. The United States has regional interests in Georgia. In line with its long-term goals, it will prevent the spread of any major rival power or any opposition to its values and interests in Georgia. But in the short term, it emphasizes that countries do not have access to weapons of mass destruction and advanced military technology that threatens the security of the United States and its allies.

key words: Republic of Georgia, NATO, USA, Russia, regional actors

جهت گیری سیاست خارجی جمهوری گرجستان؛ تمایل به غرب یا شرق! (۲۰۲۰-۲۰۰۸)ژیل احمدی^۱دکتر افشین زرگر^۲دکتر فخرالدین سلطانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

چکیده

جمهوری گرجستان، امروزه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی را به خود جلب کرده و اهمیت فوق‌العاده تاریخی خود را مجدد بازیافته است. گرجستان که زمانی، حیات خلوت و حوزه نفوذ بلادرنگ روسیه و اتحاد جماهیر شوروی بود و در ادوار متمادی تاریخ نیز محل منازعه و رقابت بازیگران منطقه بوده است، اکنون به محل رقابت قدرت‌های بزرگ کنونی تبدیل شده و هرکدام از بازیگران منطقه‌ای و جهانی به دنبال حضور، نفوذ و تامین هرچه بیشتر منافع خود هستند. برای درک بهتر اهمیت این منطقه برای قدرت‌های بزرگ بویژه آمریکا و روسیه و گرایشات گرجستان به هریک از این دو قدرت، به بررسی اهداف این دو قدرت در منطقه قفقاز جنوبی پرداخته می‌شود. در پژوهش پیش‌رو این پرسش مطرح می‌گردد که کشور گرجستان از سال ۲۰۰۸ به بعد به سمت کدام قدرت شرق و غرب متمایل بوده است؟ و به تأثیر این جهت‌گیری‌های در رابطه با ایران اشاره خواهد شد. در واقع این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این فرضیه می‌پردازد که گرجستان برای همکاری با ناتو، دارای انگیزه‌هایی هست. بنظر می‌رسد، جمهوری گرجستان حضور ناتو را بعنوان مقدمه‌ای برای اروپایی شدن ترجیحاً دریافت کمک‌های مالی بیشتر می‌داند. نتیجتاً می‌توان بیان نمود که از میان دو بازیگر فرامنطقه‌ای، نقش آمریکا از دیگران بارزتر بنظر می‌رسد. آمریکا دارای منافع منطقه‌ای در گرجستان است. این کشور در راستای اهداف بلندمدت از گسترش نفوذ هر قدرت بزرگ رقیب یا هرگونه مخالفت با ارزش‌ها و منافع خود در گرجستان جلوگیری می‌کند. اما در اهداف کوتاه‌مدت بر عدم‌دستیابی کشورها به تسلیحات کشتار جمعی و تکنولوژی پیشرفته نظامی که امنیت آمریکا و متحدانش را تهدید می‌کند، تاکید دارد.

واژگان کلیدی: جمهوری گرجستان، ناتو، ایالات متحده آمریکا، روسیه، بازیگران منطقه‌ای.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

^۲ استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

^۳ استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

آسیای مرکزی و قفقاز همواره صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه بوده است و دیگر بازیگران در تلاش بوده‌اند تا منافع سیاسی و اقتصادی خود را کسب کنند و در این راه تمام تلاش خود را برای کسب سود و بیشترین منافع انجام می‌دهند. مهمترین دلیل مسئله این است که روس‌ها پس از واگذاری اروپای شرقی و سایر عرصه‌های ژئواستراتژیک همچنان بر حفظ آسیای مرکزی و قفقاز بعنوان تنها حوزه نفوذ خود اصرار دارند. از سوی دیگر، به اعتقاد بسیاری از استراتژیست‌های معاصر، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل تسلط بر منابع نفتی مهم و همچنین کنترل بر مسیر ارتباطی شرق و غرب جهان و بسیاری از مسائل دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در بین بازیگران فرامنطقه‌ای، آمریکا بعنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در جهان دارای بیشترین انگیزه و ظرفیت برای حضور در منطقه است و حوادث بعد از ۱۱ سپتامبر و تشکیل ائتلاف جهانی برای مبارزه با تروریسم، این فرصت را برای آمریکا فراهم آورد تا در منطقه قفقاز جنوبی حضور عینی‌تری داشته باشد، بنابراین شاهد تشدید رقابت روسیه بعنوان بازیگر سنتی در قفقاز و آمریکا بعنوان ابرقدرت جهانی هستیم.

باتوجه به مطلب بالا می‌توان گفت که این منطقه عرصه رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی گوناگون می‌باشد. چراکه در ۸ اوت ۲۰۰۸ در منطقه ناآرام قفقاز درگیری‌های خونینی میان گرجستان و روسیه رخ داد. گرچه درگیری کوتاه و مقطعی بود و دامنه‌ای محدود داشت، ولی بازتاب جهانی یافت. روسیه بعنوان قدرت برتر منطقه‌ای و جهانی با درگیر شدن در این جنگ خواستار نشان دادن هژمونی خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی بود، روسیه می‌خواست نشان دهد که زمان سکوت در برابر غرب به پایان رسیده است و از این به بعد این کشور در پیگیری اهدافش مصمم‌تر خواهد بود. در مقابل آمریکا نیز به دنبال برتری جویی در این منطقه بوده است. درنهایت اینکه نوشتار حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با طرح این سوال که کشور گرجستان از سال ۲۰۰۸ به بعد به سمت کدام قدرت شرق و غرب متمایل بوده است؟! و به بررسی این فرضیه می‌پردازد که گرجستان برای همکاری با ناتو، دارای انگیزه‌هایی هست و جمهوری گرجستان حضور ناتو را بعنوان مقدمه‌ای برای اروپایی شدن و ترجیحا دریافت کمک‌های مالی بیشتر می‌داند. و در پایان به تأثیر جهت‌گیری سیاست خارجی گرجستان بر ایران اشاره‌ای خواهد شد.

۱- پیشینه تاریخی سیاست خارجی گرجستان

پادشاهی‌های گرجی، یعنی ایبریا^۱ در شرق کشور و اگریسی^۲ در غرب، از نخستین کشورهای بودند که به ترتیب در سال‌های ۳۱۷ و ۵۲۳ پس از میلاد، دین مسیحیت را دین رسمی خود

^۱ Iberia

^۲ Agricola

ساختند. پادشاهی ایبریا دیری نپایید و به زودی بخشی از شاهنشاهی ایران گشت. اگریسی صحنه رقابت ایران و بیزانس گشته و گرجستان غربی دست به دست می‌گشت. شرق گرجستان پس از اسلام در دوره‌های صفویه و افشاریه نیز جزئی از ایران بوده است. در دوره زندیه به دلیل از میان رفتن مرکزیت سیاسی ایران، هراکلیتوس حاکم گرجستان ابتدا اعلام استقلال کرد و پس از چندی خود را زیرپوشش روسیه تزاری قرار داد. آقامحمدخان قاجار پس از به قدرت رسیدن به قفقاز لشکر کشید و تفلیس را تسخیر کرد. پس از فتح شهر ۱۵ هزار تن از مردم بیگناه را کشت و ده‌ها هزار گرجی را به اسارت گرفت. این رخداد سبب تنفر شدید مردم گرجستان از ایران شد و یکی از زمینه‌های جدایی گرجستان از ایران گشت. در زمان فتحعلیشاه قاجار و پس از شکست‌های پیاپی سپاه ایران به فرماندهی عباس‌میرزا از روسیه تزاری و در پی پیمان‌نامه گلستان، گرجستان رسماً از ایران جدا شد و ضمیمه خاک روسیه شد. پس از استقلال گرجستان، ادوارد شواردنادزه^۱ وزیر خارجه پیشین شوروی، بعنوان نخستین رئیس‌جمهور کشور برگزیده شد. گرجستان از همان زمان بر سر جمهوری‌های خودمختار اوستیای جنوبی^۲ و آبخازیا^۳ با روسیه اختلاف داشت، چراکه روسیه اجازه نمی‌داد که گرجستان، حاکمیت خود را بر این دو منطقه اعمال کند (دارمی، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

۱-۱- اوستیای جنوبی

سرزمین اوستیا شامل دو بخش شمالی و جنوبی است که اوستیای جنوبی در خاک گرجستان و اوستیای شمالی در خاک روسیه قرار دارد. در تاریخ سرزمین اوستیا از نژاد ایرانی هستند و تا نیمه اول قرن ۱۳ میلادی، آنها در استپهای قفقاز شمالی ساکن بودند. از نیمه دوم قرن سیزدهم که پادشاهی گرجستان در اثر تجاوزات خارجی تضعیف شد، اوستیا با بهره‌گیری از این موقعیت به تدریج از محل استقرار خود مهاجرت کردند. در این زمان ناحیه اوستی‌نشین در عین داشتن استقلال داخلی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی بعنوان قسمتی از دولت فئودالی گرجستان محسوب می‌شد.

در سال ۲۰۰۶، همه‌پرسی در اوستیای جنوبی برگزار شد که به دنبال آن ادوارد کوکوتی بعنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد، و همین امر منجر به ایجاد تنش در روابط اوستیای جنوبی و گرجستان شد. اختلافات میان دولت گرجستان و حکومت جدایی طلب اوستیای جنوبی سرانجام منجر به جنگ پنج روزه‌ای در اوت سال ۲۰۰۸ گردید. پس از جنگ سال ۲۰۰۸، روسیه در ۲۶ اوت و

^۱ Edward Shevardnadze

^۲ South Ossetia

^۳ Abkhazia

نیکاراگوئه در ۳ سپتامبر و ونزوئلا یک سال پس از بحران، استقلال این کشور را به رسمیت شناختند.

۱-۲- آبخازیا

آبخازیا نیز در طول تاریخ مانند سایر نواحی قفقاز هیچگاه از هجوم بیگانگان در امان نبوده است. در اواسط قرن ۹ هجری، دولت عثمانی به آبخازیا لشکر کشید و اراضی ساحلی آبخازیا به پایگاه نظامی دولت عثمانی بدل شد. آبخازیان در قرن ۱۲ هجری، علیه دولت عثمانی دست به شورش زدند و لشکریان ترک را از دژ سوخوک بیرون راندند. پس از آن روس‌ها بیش از پنجاه سال با شورشیان آبخازی جنگیدند تا توانستند اداره این منطقه را به دست گیرند. سال ۱۹۲۱ میلادی، حکومت شوروی در آبخازیا مستقر شد و این سرزمین در فوریه سال ۱۹۲۲ به صورت بخشی از گرجستان درآمد. در سال ۱۹۳۱ استالین به این منطقه خودمختاری داد. پس از آن، آبخازیا بعنوان جمهوری خودمختار در قالب گرجستان قرار گرفت. بطورکلی در طی این سال‌ها وضعیت کم و بیش آرام بود. اما آبخازیا هرگز جدایی‌طلبی از گرجستان را فراموش نکرد. در چنین شرایطی، آبخازی‌ها با استفاده از بحران سیاسی موجود در گرجستان و شرایط مناسبی که در اثر ضعف دولت مرکزی بوجود آمده بود، خواستار برقراری مجدد وضعیت جمهوری همانند وضعیت دهه ۱۹۲۰ بودند (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

۱-۳- آجاریا

از زمان "قرون وسطا" تا جمهوری کنونی گرجستان، آجاریا در چندین امپراطوری و ایالت وجود داشته و بعضی اوقات آن را از گرجستان بیگانه کرده است. آجاریا از قرن هفتم میلادی، مورد هجوم شاخه‌ای از گرجیان قرار گرفت. در قرن هفتم این سرزمین تابع خلافت شد. مدتی نیز بخشی از قلمرو گرجستان، ترکان سلجوقی و مغولان شد. در قرن ۱۶، سرزمین کنونی آجاریا به تصرف امپراتوری عثمانی درآمد و تا سال ۱۸۷۸ ادامه داشت. آجارها در دوران سلطه امپراتوری عثمانی اسلام آوردند و به سبب نفوذ و گسترش اسلام در آجاریا، روس‌ها این سرزمین را گرجستان اسلامی نامیدند. این سرزمین در دوران اتحاد جماهیر شوروی جزئی از گرجستان بود و پس از فروپاشی شوروی نیز بعنوان جمهوری خودمختار به حیات سیاسی خود در قالب گرجستان ادامه داد (امیری، ۱۳۸۰: ۲۸).

۲- علل و پیامدهای جنگ روسیه و گرجستان

از همان سال‌های نخست فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جدایی‌طلبان اوستیای جنوبی که روسیه از آنها حمایت می‌کرد به دنبال جدایی از گرجستان و پیوستن به اوستیای شمالی بودند که امروز به یک منطقه خودمختار در روسیه تبدیل شده است. درحالی‌که اوستیای جنوبی بر حق تعیین سرنوشت خود تاکید می‌کرد، گرجستان مطالبات جدایی‌طلبان را تهدیدی برای یکپارچگی

سرزمین‌اش می‌دانست. در آگوست سال ۲۰۰۸ جنگی بین روسیه و گرجستان در گرفت که واکنش تمامی کشورهای منطقه‌ای و جهانی را برانگیخت و تبعات مختلف در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی برجای گذاشت. در این بخش علل آغاز درگیری و پیامدهای جنگ روسیه و گرجستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲- علل جنگ روسیه و گرجستان

شدت و وحدت تنش‌ها در روابط مسکو و تفلیس بویژه پس از پیروزی انقلاب گل رز در سال ۲۰۰۳ به حدی بود که حکایت از بحرانی دائمی میان روسیه و گرجستان دارد. با این حال باید ریشه این بحران‌ها را در روابط دو کشور جستجو نمود. در میان کشورهای حاضر در قفقاز، موقعیت ژئوپلیتیکی گرجستان بعنوان پل ارتباطی مسکو با دریای سیاه و به تبع آن آب‌های گرم جهان، به همراه مناقشه بر سر جمهوری‌های آبخازیا و اوستیای جنوبی، گرجستان را به صورت کشوری مهم در سیاست خارجی روسیه درآورده است (معظمی گودرزی، ۱۳۸۳: ۲۲۰). در راستای یک اصل جاری بین تمام قدرت‌های بزرگ جهان که با ایجاد و دامن زدن به برخی بحران‌ها در برخی مناطق حساس زمینه و مشروعیت حضور خود را فراهم می‌نماید؛ بطورکلی روسیه همواره تهدید جدی برای گرجستان بوده، مرزهای مشترک گرجستان با روسیه، در دوره پس از استقلال فشارهای سنگینی را بر گرجستان آورده است.

با بروز بحران دوم در چچن در سال ۱۹۹۹ که با حمله نیروهای جدایی طلب چچنی به فرماندهی شامیل باسایف^۱ به جمهوری داغستان که در ساحل دریای خزر قرار دارد شروع گردید، مجدد آتش جنگی در شمال قفقاز شعله‌ور شد که بعد از امضای موافقتنامه یلتسین-مسخدوف در سال ۱۹۹۶ نزدیک به چهار سال بود که خاموش مانده بود، با روی کار آمدن پوتین که با شعار نابودی تروریست‌های چچنی قدرت را به دست گرفته بود و متعاقب آن حمله وسیع ارتش روسیه به گروزنی، سیل آوارگان چچنی به شهرها و مناطق اطراف و از جمله جمهوری گرجستان سرازیر شد که از ابتدای امر روسیه با فرار مبارزین چچنی به گرجستان مخالفت می‌نموده است Güner (Özkan, 2012, 5-7).

یکی دیگر از موارد اختلاف گرجستان و روسیه ادعایی است که مقامات گرجی نسبت به نحوه تقسیم میراث باقی مانده از شوروی دارند، در زمان شوروی تجهیزات و ادوات زیادی در گرجستان مستقر بود که به محض فروپاشی، این تجهیزات به روسیه انتقال داده شد، گرجی‌ها هم نسبت به این امر و هم نسبت به دارایی‌هایی که در کشورهای خارجی موجود است و روسیه آن را تصاحب نموده است اعتراض دارند (Sangtu KO, 2012:1-4).

¹ Shamil Basayev

علاوه بر موارد فوق، مسائل اقتصادی فصل دیگری از تنش‌ها و تعارضات میان کشورهای گرجستان و روسیه را شکل می‌دهد. گرجستان پس از استقلال با بحران جنگ داخلی و جنبش‌های جدایی طلب روبرو شده بود، هزینه‌های بسیاری را صرف بازگرداندن ثبات به کشور نمود. این عامل به همراه بحران‌های اقتصادی و نابسامانی‌های ساختاری بجا مانده از اقتصاد دوره شوروی، بیکاری، فقر و فساد مالی مقامات بلندپایه، به شکاف عمیق طبقاتی دامن زد. در این بین مردم گرجستان که همواره احساسات ملی‌گرایی و ضدروسی شدیدی از خود نشان داده‌اند، مشکلات اقتصادی، عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی خود را به زیرساخت‌های نامناسب شوروی و روابط با روسیه نسبت دادند. از اینرو گرایش به غرب برای رهایی از بحران اقتصادی به ایده ملی دولت گرجستان مبدل گردید (عرب، ۱۳۸۷).

از عوامل دیگری که روابط روسیه و گرجستان را تحت تاثیر قرار داده و بر نگرانی‌های روسیه دامن زده، روابط مشکوک تفلیس با واشنگتن و تل‌آویو است. درخصوص روابط آمریکا و گرجستان علاوه بر حمایت‌های سیاسی، اجتماعی و مالی که واشنگتن در جریان انقلاب رز از ساکاشویلی به عمل آورد، قبل از آغاز جنگ بین روسیه و گرجستان، ارتش آمریکا مانور مشترکی را با نیروهای گرجی برگزار کرد و حدود ۲۰۰۰ سرباز گرجی که در عراق مستقر بودند نیز ساعاتی قبل از آغاز تهاجم گرجستان به اوستیای جنوبی، توسط هواپیماهای آمریکایی به گرجستان انتقال یافتند تا در جنگ با روسیه شرکت کنند. همین حمایت‌های همه‌جانبه حساسیت و نگرانی شدید روسیه را برانگیخته است (اکرمی‌نیا، ۱۳۸۷).

۲-۲- پیامدهای جنگ روسیه و گرجستان

در پی جنگ میان روسیه و گرجستان، روسیه که پس از، از هم پاشیده شدن اتحاد جماهیر شوروی به کلی نقش خود را بعنوان یک نیروی چالش‌گر آمریکا در صحنه جهانی از دست داده بود بار دیگر بعنوان مدعی جدی و بزرگ بر نقشه سیاسی جهان ظاهر شد. نشان داد که از درگیری حتی در حساس‌ترین مناطق جهان که ممکن است اهمیت حیاتی برای غرب داشته باشد ابائی ندارد. در یک جمع‌بندی کلی باید گفت گرجستان در زمینه آغاز جنگ در اوستیای جنوبی به صورت اغراق‌آمیز روی حمایت‌های آمریکا و غرب حساب کرده بود. در واقع اگرچه آمریکا به دنبال ایجاد تنش در مناسبات روسیه و گرجستان است، اما به دلایل مختلف و نوع مناسباتی که با مسکو دارد حاضر به رویارویی با روسیه نیست. از جمله پیامدهایی که جنگ روسیه و گرجستان برای کشورهای منطقه داشت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- از یکسو ممکن است ترس شدید از اقدامات تلافی‌جویانه روسیه سبب شود که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از پیوستن به ساختارهای یورو آتلانتیکی خودداری کنند که در این صورت

یکی از مهمترین هدف‌های روسیه همانا بهره‌گیری از دخالت نظامی در گرجستان برای بازدارندگی دیگر کشورهای منطقه است، تحقق خواهد یافت.

۲- از دیگر سو امکان دارد که دخالت نظامی روسیه به هراس این کشورها از سلطه دوباره روس‌ها دامن زند و روند پیوستن این کشورها به ساختارهای سیاسی و امنیتی غرب را شتاب بخشد.

۳- همچنین خواست دیگر روسیه که برکناری دولت کنونی گرجستان و جانشینی آن با حکومت زیرنفوذ روسیه باشد، احتمال موفقیت زیادی دارد.

۴- یکی از پیامدهای مهم این بحران این امر است که در کشورهای هم‌پیمان آمریکا به نوعی تردید نسبت به این کشور ایجاد شد. کشورهایی که هم‌پیمان آمریکا هستند فکر می‌کردند دیگر دشمن بزرگی در دنیا نخواهند داشت و اگر هم کشوری به آنها حمله کند آمریکا از آنها حمایت خواهد کرد (حسین‌زاده، ۱۳۹۵).

۵- از تبعات مهم این جنگ چند روزه این بود که حداقل برای مدت زمان نامشخص بحث عضویت گرجستان در ناتو منتفی شد و کشورهای اروپایی حاضر نمی‌شوند به خاطر گرجستان منافع مشترکی را که با روسیه دارند خدشه‌دار کنند.

۶- از دیگر پیامدهای این بحران، کاهش اعتبار و جایگاه شخص ساکاشویلی بود، زیرا وی طرح حمله به اوستیا را در کابینه گرجستان مطرح نکرده بود و به صورت خودسرانه و بدون مشورت با هیات دولت اقدام به اینکار کرد (بیات، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

۷- این درگیری باعث فراهم شدن بهانه برای ادامه حضور روسیه در گرجستان شد. یکی از اختلافاتی که گرجستان با روسیه داشت حضور پایگاه‌های نظامی روسیه در این کشور بود که با انقلاب مخملی^۱ در این کشور، ساکاشویلی خواستار تخلیه این پایگاه‌ها توسط روسیه شد. رهبران جدید گرجستان که آشکارا رویکرد و سیاستی روس‌ستیزانه دارند از اوایل به قدرت رسیدن، خواستار تسریع در تخلیه این پایگاه‌ها شدند و نهایتاً در بهار ۲۰۰۷ موفق به راندن نیروهای نظامی روسیه و تخلیه کامل پایگاه نظامی مسکو شدند.

۸- از سوی دیگر این بحران باعث تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه شد و روند تحولات این منطقه را در مسیری متفاوت سوق خواهد داد (سراج، ۱۳۹۵). قطع نظر از مسائل مهمی نظیر علل و انگیزه‌هایی که در بحران گرجستان و روسیه دخیل هستند، این واقعه موجب شد تا قدرت‌هایی

^۱ انقلاب مخملی: نوعی انقلاب خشونت‌پرهیز بدون خونریزی است که اولین نمونه آن در انقلاب میخک ۱۹۷۴ پرتغال رخ داد. اما واژه انقلاب مخملی در چکسلواکی را نخستین بار «واتسلاو هاول» رهبر مخالفان چکسلواکی در انقلاب ۱۹۸۹ این کشور بر سر زبان‌ها انداخت.

چون آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا به گفتگو با یکدیگر پرداخته و نگرانی‌های پنهان خود را نیز عیان نمی‌ساختند (سجادپور، ۱۳۹۱ (الف): ۱۳).

۹- علاوه بر موارد ذکر شده از آن سو که یکی از اهداف همیشگی روسیه، مهار انتقال انرژی به اروپا بوده است. با مهار گرجستان، بخش بزرگتری از انرژی فسیلی اروپا، در دست روسیه متمرکز خواهد شد. روسیه با استفاده از حربه سوخت، در چند مورد برای تنبیه مخالفان سیاسی، ابایی نداشته است. پس از این بحران بیم اروپا و جهان آزاد از افزایش قدرت روسیه در رشته انرژی قابل درک است (رحمت، ۱۳۸۷).

۳- جایگاه آسیای مرکزی و قفقاز برای روسیه و آمریکا

۳-۱- جایگاه آسیای مرکزی و قفقاز برای روسیه

روسیه در گذشته بعنوان یک قدرت شناخته می‌شد که پس از وقوع انقلاب کمونیستی در سال ۱۹۱۷ مدتی این منطقه در حالت نیمه‌استقلال قرار داشت که از سال ۱۹۲۱ به بعد مجدداً در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی بعنوان بخشی از این امپراتوری محسوب می‌گردید. با بی‌اعتبار شدن ایدئولوژی کمونیسم، مفهوم منافع ملی به منزله مهمترین عامل تعیین کننده در بحث‌های مربوط به سیاست خارجی روسیه قرار گرفت (رحمانی، ۱۳۸۳: ۱۷۰).

در یک تقسیم‌بندی می‌توان علائق و منافع روسیه را در سطوح اقتصادی (استفاده از منابع اولیه و مواد خام کشورهای منطقه، استفاده از مسیر روسیه برای انتقال انرژی منطقه خزر و کشور آذربایجان به خارج از منطقه و ...)؛ علائق فرهنگی - اجتماعی (تلاش برای حفظ و تقویت زبان روسی در بین مردم منطقه، گسترش نفوذ از طریق تقویت و توسعه همکاری‌های اجتماعی و ...)؛ علائق سیاسی - امنیتی (تلاش برای حفظ و تقویت پایگاه‌های نظامی موجود در منطقه، تلاش برای جلوگیری از نفوذ و حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در منطقه از قبیل ناتو و ...) می‌توان بیان نمود (کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

۳-۲- جایگاه آسیای مرکزی و قفقاز برای آمریکا

ویژگی‌های ژئوپلیتیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز چنان است که هیچ بازیگری نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. آمریکا که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی بعنوان تنها ابرقدرت جهان مطرح گردید بیشترین مداخله را نسبت به این منطقه داشته است (Aice, 2000: 250). پس از حادثه ۱۱ سپتامبر آمریکا کوشید تا به بهانه مبارزه با تروریسم، روند همکاری‌های خود را نه تنها با گرجستان بلکه با کلیه کشورها گسترش دهد. کشورهای قفقاز و مخصوصاً گرجستان نیز از ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم به رهبری آمریکا حمایت نمودند.

۴- محورهای همکاری گرجستان با روسیه و غرب

برای روشن شدن جهت‌گیری‌های سیاست خارجی گرجستان نسبت به غرب و روسیه، باتوجه به شرایط ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، ابتدا سیاست‌های این کشور را در بخش‌های اقتصادی، سیاسی-نظامی، و انرژی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱- سیاست‌های اقتصادی گرجستان

باوجود اوضاع سخت اقتصادی که گرجستان تحت آن توسعه می‌یابد، توافق‌نامه همکاری با اتحادیه اروپا امیدهای بزرگی را برای این کشور ایجاد کرده است. پیوستن به سازمان تجارت جهانی و وابستگی به این سازمان، و مبادلات با کشورهای عضو آن، تغییرهای مثبتی برای گرجستان به دنبال داشته است. ادغام این کشور در سیستم تجارت جهانی، دستیابی به ثبات سیاسی و اقتصادی را نه‌تنها در گرجستان بلکه در قفقاز هم افزایش می‌دهد (Congressional Research Service, 2019: 20-21).

منافع گرجستان در روابط خارجی از طریق سازوکارهای چندجانبه با سازمان تجارت جهانی و حل منازعات منطقه‌ای حفظ می‌شود. درواقع به گرجستان فرصتی داده شد تا فعالانه درگیر "دور توسعه جدید" یعنی مذاکرات چندجانبه برای ارائه و محافظت از منافع اقتصادی خود باشد. عضویت گرجستان در سازمان تجارت جهانی و توافق‌نامه اتحادیه اروپا باعث ایجاد تضمینی برای سرمایه‌گذاران که بدنبال اقتصادی پایدار و قابل پیش‌بینی مطابق با استانداردهای بین‌المللی هستند می‌شود، همچنین امکان صدور تولیدات محلی به خارج برای این کشور فراهم می‌شود.

(Manana, Kochladze, 2011)

۴-۲- سیاست‌های سیاسی-نظامی گرجستان

در ادامه سیاست تقویت همکاری با ناتو همانند سالهای گذشته، گرجستان در سال ۲۰۱۷ اقدام به برگزاری دو رزمایش نظامی ناتو در کشورش کرد و نتیجه آن دوام تنش با روسیه بود.

حمایت ایالات متحده از گرجستان، از سال ۱۹۹۲ آغاز شد و پس از بطورکلی از زمان استقلال در ۱۹۹۱، گرجستان شریک حیاتی ایالات متحده در منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده است. علاوه بر امضای توافق‌نامه‌های مهم بین‌المللی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، گرجستان ظرفیت خود را برای مقابله با قاچاق غیرقانونی مواد هسته‌ای و رادیولوژیکی افزایش داده است. در حالیکه قاچاق مواد هسته‌ای همچنان یک تهدید جدی در منطقه است، حمایت ایالات متحده به گرجستان این امکان را می‌دهد تا آموزش کارمندان مرزی را بهبود بخشد و تجهیزات لازم را برای تنظیم موثر سیستم‌های کنترل صادرات بدست آورد. (Kuimova and wezeman, 2018:10-13)

۴-۳- همکاری آمریکا و گرجستان در بخش انرژی

همکاری در بخش انرژی یکی دیگر از ستون‌های اصلی همکاری استراتژیک ایالات متحده و گرجستان است. در اواخر دهه ۱۹۹۰، ایالات متحده به دنبال شناسایی و توسعه منابع جایگزین انرژی برای مهار وابستگی انرژی به روسیه و ایران بود.

انرژی از بخش‌های مهم اقتصاد گرجستان بوده است. در بخش انرژی‌های فسیلی، این کشور عمدتاً وارد کننده بوده و بیشتر نیازهای خود را از کشورهای همسایه تأمین می‌کند. اما این کشور از ظرفیت‌های بالایی در زمینه انرژی‌های غیرفسیلی و بویژه انرژی‌های آبی برخوردار است. شرکت‌های متعددی در زمینه احداث سد و نیروگاه از کشورهای مختلف با دولت گرجستان وارد مذاکره شده‌اند، و دولت این کشور به شرکت‌های مربوطه پیشنهاد ساخت و فروش برق حاصل، در بازار این کشور و یا صدور آن به خارج از کشور را داده است. سرمایه‌گذاری در بخش نیروگاه برق آبی این کشور، با توجه به امکان صادرات برق تولید شده، مناسب می‌باشد.

۷- جمهوری گرجستان؛ تمایل به غرب یا شرق

جمهوری گرجستان، امروزه به دلایل ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را به خود جلب کرده و اهمیت فوق‌العاده تاریخی خود را مجدد بازیافته است. گرجستان که زمانی متمدنی، حیات خلوت و حوزه نفوذ بلادرنگ روسیه و اتحاد جماهیر شوروی بود و در ادوار متمدنی تاریخ نیز محل منازعه و رقابت بازیگران منطقه بوده است، اکنون به محل رقابت دیگر قدرت‌های بزرگ کنونی تبدیل شده و هرکدام از بازیگران منطقه‌ای و جهانی به دنبال حضور، نفوذ و تأمین هرچه بیشتر منافع خود هستند (عسگری، ۱۳۹۴: ۱۰۳). برای درک بهتر اهمیت این منطقه برای قدرت‌های بزرگ بویژه آمریکا و روسیه و گرایش‌ات گرجستان به هر یک از این دو قدرت، به بررسی اهداف این دو قدرت در منطقه قفقاز جنوبی پرداخته می‌شود. (۲۶۰).

به روابط ایران و گرجستان پس از فروپاشی شوروی

به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب گرجستان، ایران همیشه منفعی را نسبت به این کشور در قفقاز جنوبی داشته است. گرجستان فرصتی برای برقراری ارتباط با مسلمانان قفقاز شمالی، همچنین دستیابی به نفوذ در کشوری که در تقاطع اروپا و آسیا قرار دارد برای ایران به وجود می‌آورد (بزرگمهری و طباطبایی، ۱۲۰: ۱۳۹۶). فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ و اعلام استقلال ۱۵ جمهوری جدید، فرصتی را فراوری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور در کشورهای تازه استقلال یافته فراهم کرد. (امیراحمدیان و عسگری، ۱۳۹۱: ۳۷). ایران به دلایل مختلف تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حتی بعد از فروپاشی اتحاد شوروی نتوانسته نفوذ خود را در قفقاز جنوبی گسترش داده و مانند روسیه و ترکیه در این منطقه بعنوان قدرت منطقه‌ای شناخته شود.

۸-۱- نگاه جمهوری اسلامی ایران به روابط با گرجستان

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال جمهوری‌های سابق این کشور از جمله گرجستان، حاکمیت و استقلال گرجستان را به رسمیت شناخت. این دو کشور اگرچه دارای ریشه‌های مشترک عمیق و تاریخی بودند اما همکاری میان آنها موجب تحکیم و تقویت امنیت منطقه و پیش‌زمینه مناسبی برای توسعه می‌شود. بطورکلی چشم‌انداز روابط دو کشور بسیار گسترده و روشن است زیرا گرجستان نقش یک پل ارتباطی میان شرق و غرب را ایفا می‌کند و از جایگاه مهمی در منطقه برخوردار است. همچنین گرجستان و ایران جهت گسترش همکاری‌های خود در زمینه‌های بازرگانی، اقتصادی، ارتباطات و مخابرات و مبارزه با مواد مخدر در تلاش‌اند (احمدی لفورکی و میررضوی، ۱۳۸۳: ۵۶۴).

۸-۲- نگاه جمهوری گرجستان به روابط با ایران

روابط ایران و گرجستان در ده سال گذشته علیرغم پستی و بلندی‌ها و ضعف و قوت‌هایی از شرایط خوبی برخوردار بوده است. باتوجه به تغییرات سیاسی که در گرجستان بود و انتخاباتی که در سال ۱۳۹۲ انجام گرفت و آقای مارکولاشویکی انتخاب شد، و سیاست‌هایی براساس معیارهای روس انجام داد، علی‌رغم دولت قبلی که طرفدار امریکا و غرب بوده است. باتوجه به این شرایط از جولای ۲۰۱۳، روابط ویزای ایران لغو شد در این بین با وجود چالش‌های سال‌های گذشته با تلاش‌هایی که انجام شده است، از ۱۵ فوریه ۲۰۱۶ روادید انجام شد و ایرانیان می‌توانند بدون ویزا به گرجستان سفر کنند. این امر می‌تواند در گردشگری، توسعه مناسبات توریستی و سرمایه‌گذاری سازنده باشد و کمکی برای توسعه اشتغال در گرجستان شود و دولت گرجستان از این موضوع استقبال کرده است (مومنی، ۱۳۹۴). ایران و گرجستان در سده‌های گذشته تاریخ مشترکی را پشت سر گذاشته‌اند. باتوجه به اینکه در سده‌های گذشته فرهنگ ایرانی فراتر از مرزهای کنونی ایران بوده و کشورهای آسیای میانه و قفقاز را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است، گرجستان نیز از این امر مستثنی نبوده و تحت تأثیر فرهنگ و ادبیات ایران قرار داشته است (اخلاقی و عباسی، ۱۳۸۸: ۴۵).

۸-۳- فرصت‌های همکاری ایران و گرجستان

روابط اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی ایران با گرجستان از بدو استقلال این کشور آغاز شده و تاکنون موافقت‌نامه و یادداشت تفاهم همکاری بسیاری بین دو کشور به امضاء رسیده است. در جریان سفر ساآکاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان و هیأت همراه به ایران یادداشت تفاهم اساس روابط متقابل و اصول همکاری‌های دو کشور، قرارداد بازرگانی، برنامه مبادلات فرهنگی، پروتکل الحاقی و قرارداد حمل‌ونقل هوایی و توافقنامه کمک توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران به گرجستان به امضاء رسید و مقرر گردید کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور پس از ۸ سال توقف مجدداً در سطح عالی برگزار گردد.

توجه ویژه به رفع موانع مذکور می‌تواند جایگاه ایران را بعنوان صادر کننده مهم کالا به گرجستان تضمین و تقویت نمایند (نوروزی، ۱۳۸۷: ۸۴).

مواضع دولت گرجستان در قبال پرونده هسته‌ای ایران، از موارد بااهمیت در روابط سیاسی دو کشور است. در زمستان ۲۰۰۳ وزیر امور خارجه گرجستان اعلام کرد که تفلیس می‌تواند به حل مشکلات بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران کمک کند. وی تأکید کرد که کشورش از اقدام نظامی آمریکا علیه ایران حمایت نخواهد کرد. چنین رویدادی می‌تواند هزاران نفر از اتباع گرجی را که در ایران به سر می‌برند، به مخاطره اندازد. رئیس‌جمهور گرجستان همچنین اجازه تفلیس به واشنگتن جهت استفاده از خاک گرجستان برای حمله احتمالی به ایران را تکذیب کرد و گفت: «پیوستن گرجستان به ناتو به معنای آن نیست که این سازمان قادر به استقرار پایگاه‌های نظامی در خاک این کشور شود» (کولایی، ۱۳۹۱: ۴۴۳).

۸-۴- موانع و چالش‌های اصلی روابط ایران و گرجستان

۱- رویکرد غرب محور گرجستان

از مهمترین عوامل عدم گسترش روابط ایران و گرجستان، رویکردها و اولویت‌های سیاست خارجی گرجستان است. در این راستا می‌توان گفت اولویت اول تفلیس در سیاست خارجی کشورش نزدیکی به غرب و همکاری و همگرایی با آن بلوک در تعاملات و تبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. تلاش گرجستان در ایجاد روابط گرم و صمیمی با آمریکا نیز در راستای سیاست تمایل به غرب قابل ارزیابی است و رهبران این کشور در تلاش‌اند تا هم در حوزه‌های سیاسی-امنیتی و هم در عرصه‌های اقتصادی - فرهنگی روابط بسیارخوب و نزدیکی با واشنگتن داشته باشند.

۲- گسترش حضور اسرائیل در گرجستان

پس از فروپاشی شوروی، گرجستان به برقراری روابط با دیگر کشورها از جمله اسرائیل روی آورد. پیامدهای گسترش حضور اسرائیل در گرجستان را می‌توان در چندزمینه مورد توجه قرار داد. نخستین پیامد مهم این حضور را باید توسعه دامنه نفوذ و قدرت مانور اسرائیل دانست. پیامد دیگر توسعه مناسبات اسرائیل و گرجستان برای ایران، افزایش دامنه حضور اطلاعاتی و لجستیکی اسرائیل در مرزهای شمالی آن خواهد بود که به موازات تشدید مناسبات اطلاعاتی-نظامی باکو-تل‌آویو می‌تواند از نقطه‌نظر امنیتی، چالش‌های جدی را برای ایران در پی داشته باشد، ضمن اینکه می‌تواند بر توسعه مناسبات دوجانبه تهران-تفلیس نیز اثر نامطلوبی برجای بگذارد (کوزه‌گر کالچی، ۱۳۹۱).

۳- روابط گرجستان با روسیه

روسیه رقیب دیگر قدرت منطقه‌ای ایران که منطقه قفقاز و به خصوص گرجستان را به دلیل داشتن مرزهای مشترک حیات خلوت خود می‌داند، از دیگر محدودیت‌های موجود در روابط ایران و

گرجستان است. بی تردید روسیه نیز به دلایل مختلف راهبردی، ژئواکونومیکی و امنیتی می‌خواهد از تمام اهرم‌های خود برای حفظ حیاتی‌ترین منطقه نفوذ خود به‌خصوص گرجستان استفاده کند. به همین سبب حضور ایران در منطقه باتوجه به پیوندهای فرهنگی و دینی برای روسیه بسیار نگران‌کننده است و همواره به آن بعنوان یک رقیب می‌نگرد (امیراحمدیان و عسگری، ۱۳۹۱: ۸).

۴- روابط گرجستان با آمریکا

آمریکا بعنوان یکی از بازیگران قدرتمند و بانفوذ، از جمله عوامل محدودیت‌ساز در روابط ایران و گرجستان است. آمریکا در پی فروپاشی شوروی تلاش کرد کشورهای اقماری شوروی را به شکل‌های ممکن زیرنفوذ قدرت خود قرار دهد تا بتواند ساختار آتی نظام بین‌الملل را نظام تک‌قطبی با سلطه قدرت هژمون بسازد. آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مناطقی بود که آمریکا بانفوذ خود به دنبال تأمین منافع کوتاه‌مدت (منافع سیاسی و اقتصادی) و درازمدت (تثبیت سلطه) خود بود.

بیان نمود که ظهور آسیای مرکزی و قفقاز بعنوان یک منطقه ژئوپلیتیکی و مهم در عرصه سیاست خارجی تأثیرات تعیین‌کننده‌ای برای محیط سیاسی و مناسبات منطقه‌ای ایران به ارمغان آورده است. تکوین این مناطق علاوه بر ایجاد فرصت‌های فراوان در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای ایران با چالش‌های عمده‌ای نیز همراه بوده است. بدین لحاظ ایران باید این تهدیدها را تبدیل به فرصت نماید (امیدی، ۱۳۸۷: ۶۱).

از زمان پیدایش دولت مدرن، وجود عنصر رقابت میان دولت‌ها همواره یکی از مولفه‌های اساسی روابط بین‌الملل بوده است. این رقابت همواره بر سر عاملی صورت می‌گرفت که می‌توانست منجر به افزایش قدرت یکطرف و کاهش قدرت طرف دیگر شود. در این میان یکی از عواملی که همواره سبب برانگیختن رقابت میان دولت می‌شد مناطق جغرافیایی از نظر عنصر قدرت بود. تسلط بر مناطق جغرافیایی مهم و کنترل توسط دولت می‌توانست منجر به زایش قدرت برای آن دولت و از این طریق سبب تامین امنیت خود و داشتن اهرمی علیه رقبای خود شود. تاریخ روابط قدرت‌های بزرگ، نشانگر آن است که قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر مناطق جغرافیایی مهم به رقابت و درنهایت جنگ با همدیگر پرداخته‌اند. در این میان به نظر می‌رسد که مناطق آسیای مرکزی و قفقاز اهمیت زیادی دارند که از آن یاد شد و رقابت برای تسلط و به اختیار درآوردن این مناطق در دوره‌های مختلف میان قدرت‌های بزرگ وجود داشته است. این رقابت زمانی که در منطقه خلاء قدرت وجود داشته است شدیدتر بوده است. آنچه در دوره حاضر سبب رقابت میان غرب و روسیه شده است، اهمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی این مناطق است. تسلط کامل روسیه در شرایط جدید بر مناطق، می‌تواند گام بسیار مهمی برای احیای دوباره قدرت روسیه باشد و تسلط بر آن توسط دولت‌های غربی نه تنها سبب تامین امنیت انرژی برای آنها می‌شود، بلکه می‌تواند منجر به رفع و یا حداقل کاهش تهدید روسیه شود. روسیه با حفظ این مناطق قادر است که نخست امنیت خود را تامین کند و دوم منافع سیاسی و اقتصادی خود را تامین کند؛ سوم با تسلط بر منابع انرژی و حفظ انحصار خود بر آن در مواقع لازم از ابزار انرژی بعنوان یک اهرم علیه دولت‌های غربی استفاده کند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اخلاقی، عبدالله و عباسی، الهام (۱۳۸۸)، **راهنمای تجارت با کشور گرجستان**، ج ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۲- اردستانی، حسین (۱۳۸۱)، «تاثیر اسرائیل بر تعمیق بحران ایران و آمریکا»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، س ۹، ش ۴.
- ۳- اکرمی‌نیا، محمد (۱۳۸۷)، «جنگ، قفقاز، نظام بین‌الملل»، www.bashgah.net
- ۴- امید، علی (۱۳۸۷)، «ابعاد بین‌المللی بحران گرجستان و آثار آن برمنافع ملی ایران»، **فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، ش ۱۲.
- ۵- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳)، **گرجستان در گذر تاریخ**، تهران: انتشارات نشر.
- ۶- امیراحمدیان، بهرام و عسگری، حسن (۱۳۹۱)، «فهم روابط ایران و گرجستان از زمان اعلام استقلال براساس نظریه‌های روابط بین‌الملل»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، س ۵، ش ۱۰.
- ۷- امیری، مهدی (۱۳۸۰)، «آسیای مرکزی، پایگاه نظامی جدید آمریکا»، **فصلنامه پژوهش‌های جهان**، ش ۲۰.
- ۸- بزرگمهری، مجید و طباطبایی، سیدمهدی (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵»، **فصلنامه سیاست خارجی**، س ۳۱، ش ۲.
- ۹- بیات، کاوه (۱۳۹۷)، «جنگ گرجستان و تاثیر آن در بازگشت روسیه جدید به روسیه کهن»، **نشریه گفتگو**، ش ۵۲.
- ۱۰- پرسکات، سلیمه (۱۳۸۷)، «**گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی**»، مترجم: دره میرحیدر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- حسین‌زاده، حمید (۱۳۹۵)، «عبرت از گرجستان»، **روزنامه رسالت**.
- ۱۲- دارمی، سمیه (۱۳۹۶)، **ناتو در قرن ۲۱** تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۱۳- **دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه** (۱۳۸۸)، گرجستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۴- رحمانی، منصور (۱۳۸۳)، **استراتژی دفاعی و امنیتی روسیه در حوزه جنوبی**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

- ۱۵- رحمت، بهاره (۱۳۸۷)، «ریشه‌ها و پیامدهای جنگ در گرجستان»،
www.article.oxinads.com
- ۱۶- زادوخین، آ.گ. (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی روسیه، خودآگاهی و منافع ملی*، مترجم: مهدی سنایی، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۱۷- زمانیان، داوود (۱۳۸۲)، «دلایل اتخاذ سیاست حمایت گرجستان از آمریکا در تحولات اخیر»،
فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۴۱.
- ۱۸- سراج، رضا (۱۳۹۵)، «بررسی ریشه‌ها و پیامدهای جنگ در قفقاز»، *خبرگزاری فارس*.
- ۱۹- سجادپور، محمدکاظم (الف) (۱۳۹۱)، «روسیه و قفقاز: اقتصاد و ملاحظات امنیتی»، *فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۸.
- ۲۰- سجادپور، محمدکاظم (ب) (۱۳۹۵)، «پیامدهای بحران گرجستان در روابط آمریکا و روسیه»،
همشهری دیپلماتیک، ش ۲۸.
- ۲۱- شفیعی، نوذر (۱۳۹۰)، «جنگ روسیه و گرجستان: زمینه‌ها و محرک‌های اثرگذار»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، س ۴، ش ۹.
- ۲۲- صادقیان، خوری (۱۳۹۶)، *سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز*، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۲۴.
- ۲۳- صدیق، میرابراهیم (۱۳۸۳)، *روابط ایران با جمهوری‌های قفقاز از سال ۱۹۹۱ تاکنون*، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۲۴- عرب، سیدامیر (۱۳۸۷)، «علت جنگ روسیه و گرجستان چیست؟»، *روزنامه عصر ایران*.
- ۲۵- عسگری، حسن (۱۳۹۴)، «نقش بازیگران خارجی در انقلاب‌های رنگی، مورد انقلاب رز گرجستان»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۵۱.
- ۲۶- عطایی، فرهاد (۱۳۹۱)، «ایران و کشورهای قفقاز جنوبی»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، س ۵، ش ۱۰.
- ۲۷- قوام، سیدعبدالعی (۱۳۹۳)، *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۸- کاظمی، احمد (۱۳۸۴)، *امنیت در قفقاز جنوبی*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۲۹- کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۱)، «اهداف و منافع اسرائیل در گسترش مناسبات با گرجستان»،
مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- ۳۰- کوزه‌گر، ولی (۱۳۹۳)، «روسیه، قفقاز جنوبی و نگرانی از اقدام نظامی علیه ایران»، *مجله ایراس*.
- ۳۱- کولایی، الهه (۱۳۹۱)، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، تهران: انتشارات سمت.

- ۳۲- کوهکن، علیرضا (۱۳۹۴)، «بحران گرجستان و قدرت‌های حاضر در منطقه»، فصلنامه راهبرد یاس، ش ۱۵.
- ۳۳- گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۸۲)، **گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۳۴- لطیفیان، سعیده (۱۳۸۶)، «اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک اوراسیا»، **مجله فرهنگ اندیشه**، س ۳، ش ۹.
- ۳۵- مترولی، روئین (۱۳۷۵)، **گرجستان**، مترجم: بهرام امیراحمدیان، تهران: نشر سفارت گرجستان.
- ۳۶- مرادی، منوچهر (۱۳۸۷)، «جنگ در قفقاز، امنیت و منافع ایران»، **مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، ش ۶۳.
- ۳۷- معظمی‌گودرزی، پروین (۱۳۸۳)، «امنیت در قفقاز جنوبی»، **همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز**.
- ۳۸- مومنی، میرقاسم (۱۳۹۴)، «لغو روادید ایران و گرجستان و فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی روابط»، **مرکز بین‌المللی مطالعات صلح**.
- ۳۹- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، **ژئوپلیتیک بحران در قفقاز**، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- ۴۰- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۷)، **فرهنگ دفاعی-امنیتی**، تهران: انتشارات سینا.
- 41- Aice, Racizade (2000). The Specter of a New Great Game in Central Asia, **Foreign Service Journal**.
- 42- Alexandra kuimova and siemon t. wezeman, (2018). SIPRI Background Paper, Georgia's Energy Sector Levan Pavlenishvili, Norberto Pignatti. **Emerging-europe**
- 43- Annika Kastetter, (2018). "Moving Forward: How Georgia Can Advance US Strategic Interests, Georgian strategic analyses center, **GEORGIA AND BLACK SEA SECURITY**
- 44- Consequences of the war between Georgia and Russia (2013). Committee on the Honouring of Obligations and Commitments by Member States of the Council of Europe.
- 45- Grincheva, Nerth (2015). Democracy for Export: Museums Connect Program as A Vehicle of American Cultural Diplomacy.
- 46- Georgia and the EU Signed the Association Agreement, **Civil.ge, June 2016**. Online access: <http://civil.ge>.
- 47- Güner Özkan (2012). "Spoils of a War: Impact of Georgia-Russia War on Russian Foreign and Security Policies in the 'Near Abroad."

- 48- Irina Gogorishvili (2016). Foreign Economic Policy of Georgia Since Gaining the Independence, Estonian Discussions on Economic Policy, Ivane Javakhishvili Tbilisi State University (TSU)
- 49- Luke Coffey (2018). "NATO Membership for Georgia: In U.S. And European Interest", **the heritage foundation**
- 50- Manana Kochladze, (2011). ", Georgia's Foreign Debt and Sustainable Development", Green Alternative
- 51- Sangtu KO (2012). "Russia's Georgian War", The Korean Journal of **Area Studies Vol. 30**
- 52- Tamar Tsurtsunia (2014). "Gas Transit through Georgia in the light of Energy Charter and Energy Community provisions.
- 53- World Bank group, Report of Georgia 2018
- 54- <https://www.eia.gov>.